

نقش و جایگاه ولایت فقیه در مدیریت نظام جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۱۵ تاریخ تأیید: ۹۳/۵/۲۳

حمید راضی رستاقی*

چکیده

موضوع مقاله حاضر، نقش و جایگاه ولایت فقیه در مدیریت نظام جمهوری اسلامی ایران است. با توجه به محوری بودن نقش رهبر، ابتدا به جایگاه ولایت فقیه در نظام اسلامی بر اساس موازین شرع مقدس اسلام، با قرأت شیعی و با مبنای نظریه ولایت فقیه امام خمینی(ره) پرداخته می‌شود. بر اساس اعتقادات شیعه، حکومت در درجه اول متعلق به خداوند است و سپس به برگزیدگان منصوب خدا، یعنی پیامبران الهی، حضرت محمد(ص)، ائمه معصومان(ع) و در عصر غیبت، به عامه فقها و به دلیل حفظ نظم، به منتخب آنان با عنوان «ولی فقیه» واگذار شده است. چنین ولی فقیه‌ای با الهام از آموزه‌های اسلامی، مکتب تشیع و مقام اجتهاد و مرجعیت، می‌تواند اعمال زشت حاکمان ظالم را افشاء و تخریب کند؛ همان گونه که در پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رهبری ولی فقیه توانست با آگاه کردن و ایجاد اتحاد در بین مردم، انقلاب را با زحمتهای زیاد و ریخته شدن خون هزاران جوان مسلمان پاک به پیروزی برساند. همچنین ولایت فقیه نقش مهندسی نظام و مشروعیت‌بخشی به اصل نظام را دارد؛ به گونه‌ای که مشروعیت ارکان نظام به نصب و تنفیذ اختیارات او بستگی دارد. ولی فقیه در اداره جامعه اسلامی نیز نقش مهمی دارد، از جمله: توصیه به تقوای الهی، خدمت‌گزاری صادقانه به مردم، دشمن‌شناسی و راه‌های مقابله با آن، شناخت اسلام و ارزش‌های اسلامی و شناخت آسیب‌های نظام اسلامی و ارائه راهکارهای عملی.

واژه‌های کلیدی: نقش، ولایت فقیه، مدیریت، نظام اسلامی، انقلاب، قانون اساسی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

و با پشتوانه عظیم مردمی در گذر زمان هر گاه که اراده کرد، امواج میلیونی از قشرهای گوناگون جامعه را به میدان آورد». درباره نقش ولی فقیه در چند محور می‌توان بحث کرد که در ادامه خواهد آمد.

الف. نقش و جایگاه ولایت فقیه در نظام اسلامی

پدیده انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی ایران که به دنبال الگویی از نظام سیاسی اسلام بوده و می‌باشد، با استقبال گسترده‌ای توسط متفکران و نظریه‌پردازان این اندیشه سیاسی و نیز فقیهان و حقوق‌پژوهان رو به رو شد. دلیل بررسی و شناسایی زوایای گوناگون این نظام، به ویژه توسط تحلیل‌گران غربی آن بود که نظام‌های سیاسی رایج و حاکمیت‌های موجود در جهان معاصر با توجه به پیشینه آنها و چگونگی شکل‌گیری جریان و توزیع قدرت تقریباً شناخته شده بودند؛ اما ظهور یک نظام سیاسی مبتنی بر دین که دو عنصر جمهوریت و اسلامیت را بر اساس نظام امت و امامت در رأس قرار می‌دهد، پی‌ریزی یک نظام سیاسی بر مبنای حاکمیت ملی و دینی و به رسمیت ساختن ولایت فقیه به عنوان رکن اساسی آن در جهانی که قرن‌ها مسئله جدایی دین از سیاست، امری پذیرفته شده و مسلم پنداشته شده است، چنان حیرت‌انگیز و باور نکردنی بود که آثار شوک ایجاد شده از طرف آن هنوز پا برجا است. بر اساس اصول نظام سیاسی اسلام، در یک نگاه کلی محورهای اصلی آن به طور خلاصه عبارت است از:

۱. رابطه دین و سیاست

در نظام سیاسی اسلام، بررسی رابطه دین و سیاست، زیربنایی‌ترین مسئله است. فقط زمانی حاکمیت دینی می‌تواند مطرح شود که دین دربرگیرنده امور سیاسی و اجتماعی باشد. در



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۴. ضرورت فقیه بودن حاکم اسلامی

حکومت اسلام، حکومت قانون است؛ پس قانون‌شناسان و از آن بالاتر، دین‌شناسان (فقها) باید متصدی آن باشند. کسی که می‌خواهد احکام الهی را در جامعه اجرا کند؛ یعنی مجری احکام الهی باشد، باید به کتاب و سنت علم داشته باشد. از طرف دیگر، آن عالمی که به علم خود عمل می‌کند، همان ولی فقیه است. از این رو، جامعه‌ای که به ارزش‌های الهی پای‌بند است و توحید، نبوت و شریعت الهی را پذیرفته، هیچ چاره‌ای ندارد، جز اینکه در رأس جامعه، شخصی را ببیند که او شریعت اسلامی و الهی را می‌داند، اخلاق فاضله الهی دارد، گناه نمی‌کند، اشتباه مرتکب نمی‌شود، ظلم نمی‌کند، برای خود چیزی نمی‌خواهد، برای انسان‌ها دل می‌سوزاند و ارزش‌های الهی را بر مسائل شخصی و گروهی ترجیح می‌دهد (مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه‌های علمیه، ۱۳۸۹، ص ۲۳-۲۴).

امام خمینی (ره) در کتاب ارزشمند ولایت فقیه؛ سه موضوع مهم را به عنوان دلایل ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت بر اساس ولایت فقیه بیان می‌کند: ۱. عمل پیامبر در تشکیل حکومت و رویه حضرت علی (ع) پس از پیامبر اکرم (ص)؛ ۲. قدرت استمرار اجرای احکام الهی برای همیشه که بدون تشکیل حکومت، نمی‌توان آن را به طور کامل اجرا کرد؛ ۳. ماهیت و چگونگی قوانین اسلام به گونه‌ای است که بدون حکومت قابل اجرا نیست، مانند احکام مالی، دفاع ملی، احکام حقوقی و جزایی (اشتهاردی، ۱۳۷۹، ص ۳۸-۳۹).

۵. شأن و جایگاه ولی فقیه در اسلام

ولی فقیه به عنوان حافظ شریعت، مجری احکام و قوانین الهی و مقام رسمی برای تعیین مصداق در رویارویی با مشکلات به وجود آمده و تصمیم‌گیرنده نهایی در جامعه اسلامی از طرف شارع مقدس معرفی شده است. این مقام والا، شأنی است که برای فقهای جامع الشرایط در عصر غیبت توسط ائمه معصومان (ع) در نظر گرفته شده است. هر چند رهبر برخی از



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جمهوری اسلامی ایران است که بر اساس نظریه دینی حکومت شکل گرفته است. این نظام برخوردار از پشتوانه بسیار محکم مردمی و سرمایه عظیم بیعت امت با رهبر است. دلیل اینکه رهبر جمهوری اسلامی ایران را «ولی امر مسلمین» می‌نامیم، این است که الگوی اولی اسلام برای حکومت، حکومت واحد جهانی در رهبری امام معصوم(ع) است. در این الگو، مرزهای جغرافیایی جای خود را به مرزهای عقیدتی می‌دهد و کشور اسلامی شامل همه مناطقی خواهد بود که در آن مسلمان زندگی می‌کند (همان).

ب. نقش ولایت فقیه در انقلاب اسلامی

مهم‌ترین ویژگی نظام اسلامی ایران این است که ساختار آن بر اساس «موازن اسلامی» شکل گرفته است و قانون اساسی به عنوان یکی از مهم‌ترین ساختار آن هم باید بر اساس موازین اسلامی باشد. از این رو، در مقدمه قانون اساسی تصریح شده است: «قانون‌گذاری که مبین ضابطه‌های مدیریت اجتماعی است بر مدار قرآن و سنت جریان می‌یابد» (رنجبریان، ۱۳۸۱، ص ۱۹). یکی دیگر از ویژگی‌های ممتاز نظام اسلامی این است که شخصی که رأس حکومت قرار دارد، والی، ولی و مولی است؛ یعنی در نظام سیاسی اسلام، رهبر و کارگزاران ارتباط، اتصال و پیوستگی جدایی ناپذیری با مردم دارند (مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۲، ص ۹). در این بخش محورهای ذیل بحث خواهد شد:

۱. نقش ولایت فقیه در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی

رهبری سه نقش ایدئولوک، فرمانده و بسیج‌گر دارد و ایدئولوژی نیازهای روحی افراد آشفته و ناراضی جامعه را با دو برنامه پاسخ می‌دهد: چگونه باید نظام سیاسی موجود را تغییر داد؛ به جای آن چه نظامی را می‌توان جایگزین کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- مشروعیت‌زدایی از نظام شاهنشاهی

امام خمینی(ره) در نقش رهبر با تأثیرپذیری از مذهب، فرهنگ، تاریخ و سیره شیعه، در از بین بردن مشروعیت نظام شاهنشاهی و زمینه‌سازی پیروزی انقلاب عامل بسیار مهمی بود. برخی از دلایل و مؤیدها عبارت است از:

۱. رهبری و هدایت افراد و گروه‌هایی که نهضت را حمایت کردند: به دلیل آنکه در فرهنگ و تاریخ شیعه، زمانی که دین در خطر باشد، باید قیام کرد و این در فرهنگ علوی و حسینی سرچشمه دارد و مردم نیز این روحیه را از آنان به ارث برده‌اند. ولی فقیه با هدایت، روشنگری و بیدار کردن این احساس‌ها، می‌تواند با دادن یک فتوا، مردم را به صحنه آورد؛ به گونه‌ای که همواره در پشت سر رهبری انقلاب در لحظه‌های حساس حضور داشته و از هیچ گونه یاری دریغ نمی‌کردند، اعلام وفاداری کردند و کفن پوشان در صحنه تا لحظه مرگ حاضر شدند. شهید مطهری می‌فرماید: «نهضت کنونی ایران به صنف خاص مردم ایران اختصاص ندارد. در این نهضت غنی و فقیر، مرد و زن، شهری و روستایی، طلبه و دانشجو و غیره شرکت داشتند» (همان، ص ۱۲۸؛ به نقل از مطهری، ۱۳۸۴، ص ۶۳).

۲. هدایت و رهبری روحانیت شیعه به سمت براندازی رژیم طاغوت: هر چند روحانیت شیعه در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران و آگاهی دادن به مردم وظیفه مهمی را به عهده گرفتند و منشأ حرکت‌های بزرگی شدند؛ اما نباید غافل شد که زمانی که امام خمینی(ره) به عنوان ولی فقیه، روحانیت را آگاه کرد، با توجه به ویژگی‌ها و امتیازهای دستگاه روحانیت، توانست انقلاب برزگ اسلامی را به پیروزی برساند.

۳. توجه دادن مردم به ریشه‌های تاریخی انقلاب: «هر چند تاریخ شیعه همواره از صدر اسلام تا به حال یادآور حماسه‌ها علیه حکام ستمگر است و ائمه معصومان، علماء و زعمای اسلام و شیعه به تبع آنان حتی در برابر انحراف‌ها سکوت نکردند و قیام کردند» (صدوقی،



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۵. توجه دادن به نقض مقررات اسلامی توسط حکومت: یکی از عوامل براندازی حکومت طاغوت عدم توجه به مقررات اسلامی توسط دستگاه حاکمه بود که این امر توسط روشنگری‌های رهبری به مردم ابلاغ و بیان شد و در نتیجه، سبب جریحه‌دار شدن عواطف و احساس‌های مذهبی مردم و قیان آنها بر علیه رژیم طاغوت شد. شهید مطهری در این باره می‌فرماید: «آن عامل تعیین‌کننده‌ای که همه عوامل دیگر را در بر گرفت و توانست همه طبقه‌ها را به طور هماهنگ در مسیر واحد منقلب کند، جریحه‌دار شدن عواطف اسلامی این مردم بود. مردم می‌دیدند که چگونه مقررات اسلامی عملاً نقض می‌شود» (مطهری، ۱۳۸۴، ص ۶۵؛ محمدی، ۱۳۸۲، ص ۹۰ و ۱۰۳، صدوقی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۰، به نقل از مطهری، ۱۳۷۲، ص ۹۳ و ۱۱۲).

- پیروزی انقلاب اسلامی

برخی از محققان معتقدند که مذهب در مرحله پیروزی انقلاب، نقش اصلی را داشته است؛ اما باید توجه داشت که مذهب باید توسط رهبر و راهنما برای مردم روشن شود. به همین دلیل، خدای متعال در روز غدیر فرمود: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی» (مائده، ۳). روز اکمال دین و اتمام نعمت، وجود رهبری است؛ چرا که بر اساس این آیه، اگر وجود رهبری نباشد، اکمال دین و اتمام نعمت نمی‌شود و رضایت خداوند نیز به دست نمی‌آید. بنابراین، بر اساس اعتقادات شیعه، رهبری ولایت فقیه در طول امامت و رهبری ائمه قرار دارد که این منصب در عصر غیبت به ولی فقیه واگذار شده است.

با نگاه به تاریخ مشاهده می‌شود که قیام‌های مذهبی‌ای شکل گرفته است، مانند قیام مختار، توابعین، زید تا عصر کنونی، مانند مشروعیات، قیام جنگل و شیخ محمد خیابانی، اما نتوانستند بر حاکمان ظالم پیروز شوند؛ زیرا رهبری نداشتند که مرجع دینی و فقیه برجسته



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

رهبری این انقلاب اسلامی است؛ چرا که رهبری است که دین را می‌فهمد و مذهب را می‌شناسد، خود دغدغه دینی، ملی و مردمی دارد و آن را برای مردم تبیین می‌کند، به مردم آگاهی می‌دهد، آنان را بر علیه حکومت ظالم بسیج می‌کند و پیروزی را به ارمغان می‌آورد و خود در این راه متحمل زحمات و سختی‌های فراوانی مانند حبس، تبعید و شکنجه‌های روحانی و جسمانی می‌شود؛ اما برای رضای خدا آن را تحمل می‌کند و بر اساس اوامر الهی صبر و استقامت می‌کند، چرا که می‌داند خداوند با صابران است و به واسطه صبر و استقامت به پیروزی نهایی خواهد رسید.

۲. نقش و جایگاه ولی فقیه در نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی

ولایت فقیه علاوه بر شکل‌گیری و ایجاد انقلاب اسلامی، نقش و جایگاه بسیار مهمی در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران دارد؛ به گونه‌ای که جزء اصول مهم و تغییرناپذیر در قانون اساسی، مشروعیت نظام و مسئولان آن و عنصر مهم انقلاب و دارای اختیارات وسیعی، حتی از دیدگاه برخی فراتر از قانون اساسی دارد. از این رو، می‌توان نقش و جایگاه ایشان را در نظام جمهوری اسلامی به شرح ذیل بیان کرد:

- ولایت فقیه عنصر مهم انقلاب اسلامی

در پیروزی انقلاب اسلامی، عناصر مهمی مؤثر بود، که مهم‌ترینش ایمان به خدا، رهبری ولایت فقیه و وحدت کلمه مردم بود که به عنوان، سه ضلع از یک مثلث در کنار یکدیگر سبب پیروزی این انقلاب عظیم اسلامی شد. آقای دین‌پرست معتقد است که از دیدگاه امام خمینی(ره) جمهوری اسلامی ایران سه عنصر مهم دارد: ۱. قانون (شریعت): که مهم‌ترین عنصر جمهوری اسلامی، شریعت اسلام است؛ ۲. مردم: طرح مفهوم ملت و مردم در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) در تداوم برداشتی مردمی از نظام سیاسی اسلامی صورت گرفت. در



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مجریه و قضائیه)، به دلیل ارتباط و اتصال به ولی فقیه است. در حقیقت، ولایت فقیه مثل روحی در کالبد نظام است. گستره ولایت فقیه، چنین قلمرو بسیار وسیع و عظیمی دارد که به ولایت خدا نیز منتهی می‌شود (بهروزی لک، ۱۳۸۵، ص ۸۰).

چنین مفهومی از ولایت فقیه که همه اختیارهای حکومتی پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومان(ع) را در برمی‌گیرد، به ولایت مطلقه فقیه تعبیر شده است. حکم ولایت فقیه، فقط در عرصه احکام نیست؛ بلکه حکم او در تکالیف سیاسی نیز لازم‌الاطاعه است. ولی فقیه در راستای برخورداری از چنین اختیارهایی است که راهگشای مشکلات جامعه است؛ چرا که ولی فقیه فوق قانون، بلکه فوق قانون اساسی است و اعتبار قانون اساسی به دلیل تصویب و امضای ولی فقیه است (همان).

۳. نقش و حدود اختیارهای ولایت فقیه در قانون اساسی و دیدگاه امام خمینی(ره)

در قانون اساسی جمهوری اسلامی که ۹۸ درصد مردم به آن رأی مثبت دادند و با همه وجود از آن پاسداری کردند، برای ولایت فقیه با تعبیر «ولایت مطلقه امر و امامت امت»، اختیارهای فراوانی در نظر گرفته شده است. اما بر اساس نظریه قائلان به نصب که توسط برخی از اندیشمندان ارائه شده و نیز دیدگاه امام خمینی(ره)، ولی فقیه اختیارهایی فراتر از قانون اساسی دارد و آنچه در قانون بیان شده، به عنوان «تمثیل» است. در اصل دوم قانون اساسی این گونه آمده است: «قانون اساسی نظامی است که یکی از پایه‌های آن، ایمان به امامت و رهبری مستمر و نقش آن در تداوم انقلاب اسلامی است». اصل ۵۷ قانون اساسی بیان می‌دارد: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارت است از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌شود» (صدوقی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۷).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ج. نقش و جایگاه ولایت فقیه در اداره جامعه اسلامی ایران

ولایت فقیه فقط در مبارزه با رژیم طاغوت و پیروزی انقلاب اسلامی نقش ندارد؛ بلکه این مقام والا در اداره جامعه اسلامی نیز تأثیر بسزایی دارد؛ چرا که اداره جامعه اسلامی نیز باید با نظر اسلام و توسط رهبری و هدایت‌های ولایت فقیه باشد تا جامعه، مردم و مسئولان دچار انحراف از مسیر اسلامی و الهی نشوند و به گمراهی و سر درگمی نیفتند. بنابراین، می‌توان نقش کارآمدی ولایت فقیه در اداره جامعه اسلامی ایران را در گستره‌های گوناگونی از نظام و جامعه به روشنی مشاهده کرد. برای مثال، در مسائل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، هنری و اجتماعی در حوزه داخلی و خارجی. نقش ولایت فقیه در اداره جامعه اسلامی ایران عبارت است از:

۱. توصیه به تقوای الهی و مراقبت از خود

رهبر جامعه (ولی فقیه) هم خود عامل به تقوای الهی است و هم کارگزاران نظام را به تقوا و مراقبت از خود توصیه می‌کند. از این رو، علاوه بر اینکه حکومت نسبت به مردم وظایف تربیتی سنگینی دارد، حاکم و مسئولان نیز باید به دنبال اصلاح کردن خود، درست کردن اخلاق، نزدیکی باطنی به خدا و غیره باشند. همچنین مردم علاوه بر وظایف اجتماعی، باید به وظایف فردی، شخصی و اخلاقی خود توجه کنند. به این ترتیب، ویژگی‌های این گونه تقوا و مراقبت از خودی عبارت است از:

- حفظ نظام اسلامی بر پایه تقوا: به دلیل آنکه نظام اسلامی بر اساس تقوا حفظ می‌شود و راه تقوا ذکر خدا است؛ از این رو، کارگزاران و در رأس آن رهبر، نباید خودشان را بی‌نیاز از دعا، ذکر، توجه، توسل، گریه و توبه به پروردگار بدانند؛ چرا که اینها اصل و پشتوانه در برابر وسوسه‌ها و حرص دنیا است، و گرنه سبب روسپاهی این افراد در دنیا و آخرت خواهد شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

هستند. در نتیجه، تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌اندازی‌ها، برنامه‌سازی‌ها، تشویق‌ها و تنبیه‌ها، باید با این روح و جهت‌گیری تنظیم و ارائه شود و بر آن نظارت لازم صورت گیرد.

۲. ایجاد و زمینه خدمت‌گزاری صادقانه به مردم

دولتمردان، نمایندگان و مسئولان قضایی، نظامی و انتظامی و نهادهای دیگر، برای خدمت به مردم و گشودن گره‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و حل معضلات آنان، به ویژه در ابعاد معیشتی و اشتغال، انتخاب و انتصاب شده‌اند. امام خمینی(ره)، عطش خدمت به مردم داشت و خود را خدمت‌گزار مردم می‌دانست. مقام معظم رهبری نیز خود را وقف مردم و اسلام کرده و همواره از حقوق مردم، دفاع و ضرورت حل مشکلات آنان توسط مسئولان و مدیران را تأکید کرده است و خود مانند بسیاری از مردم و پایین‌تر از متوسط آنان زندگی می‌کنند (رک. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۲، ص ۶۸-۸۶، ۱۰۳، ۲۹۳ و ۲۹۴). اثرهای این شاخص عبارت است از:

- مردم‌داری در پرتوی مفهوم ولایت: تفسیر مقام معظم رهبری از مفهوم ولایت، هویت خاصی به جامعه اسلامی می‌دهد و نشانگر اهمیت بالای مردم‌سالاری در نظام اسلامی است. ایشان می‌فرماید: «ولایت، یعنی سرپرستی، پیوند، ارتباط، اتصال، به هم پیچیده شدن دو چیز، به هم جوشیدگی و به هم پیوستگی کسانی که با یکدیگر ولایت دارند. معنای شکل و مفهوم ولایت در جامعه و نظام اسلامی این است. از این جهت در جامعه اسلامی، کلمه ولایت به حکومت اطلاق می‌شود و رابطه بین ولی و مردم، یک رابطه ولایتی است و ارتباط و اتصال آنها غیر قابل انفکاک است و همه اجزای این جامعه با یکدیگر متصلند و از هم جدا نیستند».

با توجه به معنای ولایت، جایگاه مردم در حکومت اسلامی مشخص می‌شود. مقام معظم رهبری معتقدند: «در جامعه اسلامی، دستگاه مدیریت و حاکمیت جامعه، همه و همه، متکی به



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقام معظم رهبری نیز همین عقیده را دارد و در این باره می‌فرماید: «حکومت اسلامی، یعنی کارگزارانش برای اسلام فداکاری می‌کنند و آن غیر از حکومت سلطنتی، دنیایی طاغوتی و سلطه بر مردم، اغتنام فرصت شهوات، برای کسانی که دستشان می‌رسد و می‌توانند می‌باشد. ما باید خودمان را به معنای واقعی کلمه، نه به معنای تعارفی آن، خدمت‌گزار مردم بدانیم. در هر سطحی از سطوح که هستیم، باید این فکر را که از امکاناتی که در اختیار ماست، می‌توانیم برای تأمین خواسته‌ها و هوس‌های خود استفاده کنیم، پس بکنیم و به کلی دور بیندازیم. مسئولان کشور باید به معنای واقعی کلمه از لحاظ زهد، یعنی بی‌رغبتی به زخارف دنیایی، سرمشق دیگران باشند، حد آن هم ورع است».

- مردم به عنوان ولی‌نعمت‌ها و کارگزاران نظام: در نظام اسلامی چگونگی رابطه با مردم، رابطه اخلاقی ویژه‌ای است؛ مردم را در همه کارها مالک و صاحب امر دانستن و یک مراجع مزاحم ندانستن است. در حقیقت، مردم ولی نعمت ما و کارگزاران این نظام هستند و این به معنای واقعی کلمه است و تعارف نیست؛ چرا که مردم صاحب انقلاب و اداره‌کننده جنگ با نثار جان، مال و فرزندان خود بوده‌اند. بنابراین، کارگزاران حکومتی، باید خودشان را به معنای حقیقی کلمه، خدام و خدمت‌گزار مردم بدانند (مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۲، ص ۲۹۴-۲۹۸).

- مردم به عنوان منابع و ابزار کنترل قدرت در نظام اسلام: مردم در نظام اسلامی، به عنوان مهم‌ترین منبع قدرت سیاسی محسوب می‌شوند. به اعتقاد مقام معظم رهبری، معیار مشروعیت حاکمان و نظام سیاسی، میزان کارآمدی آنها برای خدمت بیشتر به مردم است؛ از این رو، با برگزاری انتخابات‌های متعدد و ادواری بودن زمامداران، نقش و اهمیت نظر مردم بهتر در ساختار قدرت مشخص می‌شود. ایشان در تشریح نظام اسلامی مبتنی بر مردم - که ساختار قدرت سیاسی با پشتوانه مردمی محقق می‌شود - می‌فرماید: «نظامی که در آن حاکم -



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آنان تضییع شده و حقوقشان داده نشده است؛ پس باید دادن حق این گونه افراد، محور همه سیاست‌ها باشد (مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۲، ص ۲۹۷-۲۹۸).

۳. دشمن‌شناسی و روشنگری درباره اهداف و روش‌های دشمن و راه‌های مقابله با آن
یک رهبر خوب، رهبری است که جامعه‌شناس بوده، از آنچه در جامعه می‌گذرد، آگاه باشد و با نظارت دقیق به اجرای عدالت بپردازد و با رهنمودهای خود راه درست رستگاری را به مردم نشان دهد، دشمن را بشناسد و با افشاگری آگاهانه و به موقع دوستان را از گزند کینه آنان برحذر دارد و مردم را متحد و منسجم کند. مقام معظم رهبری همانند امام خمینی(ره) بر جامعه نظارت دقیق دارد، دشمنان داخلی و خارجی را به خوبی می‌شناسد و به موقع و به طور شایسته به هدایت مردم می‌پردازد. ایشان در این باره می‌فرماید: «من به یک جریان سیاسی خاص اشاره نمی‌کنم، خطاب من به همه است، برای من این خط و آن خط و هر خط سیاسی دیگر تفاوت نمی‌کند، برای من مناط و ملاک، راه خدا و راه امام و راه اسلام و حفظ کشور و رعایت مصالح مردم و حفظ آینده کشور مطرح است». اینجاست که به این سخن عمیق امام خمینی(ره) می‌رسیم که فرمود: «من به همه ملت اطمینان می‌دهم که امر دولت اسلامی اگر با نظارت فقیه باشد، آسیبی به این مملکت وارد نخواهد شد» (اشتهاردی، ۱۳۷۹، ص ۲۰).
محورهای دشمن‌شناسی ولی فقیه عبارت است از:

- مسئله وجود دشمن و در نظر گرفتن راه‌ها و روش‌های مقابله آن با نظام اسلامی: امام علی(ع) می‌فرماید: «اگر تو خوابت ببرد، دشمن خوابش نخواهد برد». رهبر معظم انقلاب با توجه به این حدیث، همواره بر هوشیاری مردم و مسئولان نسبت به وجود دشمن تأکید کرده‌اند. ایشان ترندهای جدید دشمن را با تغییر زمان و شرایط و به تبع آن، تغییر استراتژی و روش مقابله دشمن با نظام اسلامی یادآور شده‌اند و به سبب رهنمودهای ایشان، زمانی نبوده که مسئولان و نظام اسلامی از دشمن فریب بخورند و از آن غافل شوند. زمانی حربه دشمن



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مخدوش کردن ایمان‌های مردم؛ نفوذ در داخل کشور و یارگیری از درون نظام اسلامی؛ اختلاف‌افکنی در سطوح گوناگون میان مذاهب، مسئولان و مردم.

- شیوه و ابزار دشمن برای مقابله با نظام اسلامی: علاوه بر این اهداف، ولی‌فقیه به شیوه‌های دشمن نیز اشاره می‌کنند، مانند سلب اعتماد مردم، ایجاد تردید نسبت به آینده؛ مرعوب و مأیوس کردن؛ کوچک‌نمایی موفقیت‌ها و بزرگ‌نمایی ضعف‌ها؛ فاسد کردن نسل جوان. ایشان شیوه اساسی دشمن برای مقابله با نظام اسلامی را جنگ نرم می‌داند و در این باره می‌فرماید: «اما در شرایط کنونی، شیوه اساسی دشمن برای مقابله با نظام اسلامی، جنگ نرم است. دشمن در جنگ نرم، با تغییر ذهنیت و باورمندی افراد جامعه به مشروعیت نظام اسلامی، اعتقادهای افکار عمومی را سست کرده و هم‌زمان سعی می‌کند با تبلیغات منفی و سیاه‌نمایی وضعیت موجود، آنها را از این شرایط مأیوس کند و لزوم ایجاد شرایط جدیدی را در اذهان جا بیندازد». ایشان درباره استراتژی دشمن می‌فرماید: «امروز جمهوری اسلامی و نظام اسلامی با یک جنگ عظیمی مواجه است، یعنی جنگ نرم. هدف اساسی دشمن در جنگ نرم، تأثیرگذاری پنهان بر اذهان و تغییر باورها است؛ بنابراین، هوشیاری و بصیرت نسبت به برنامه‌های دشمن سبب می‌شود تا راه‌های حمله او مسدود شود».

- ارائه راهکارهای رهبری برای مقابله با دشمن: رهبر معظم انقلاب با توصیف و آگاهی‌بخشی نسبت به ماهیت دشمن، راهکارهایی را نیز برای مقابله با دشمن ارائه می‌کنند، از جمله: ایمان، صبر و بصیرت در برابر دشمن و عدم تسلیم در برابر زیاده‌خواهی‌های آن؛ سوءظن به دشمن؛ حرکت در نقطه مقابل دشمن؛ امیدوار کردن مردم و زدودن یأس از دل‌ها؛ حفظ اعتماد مردم به نظام؛ حفظ وحدت کلمه و جلوگیری از تشنج سیاسی در جامعه؛ محکم کردن پایه‌های ایمان دینی در مردم و جوانان؛ یک‌دلی و هم‌جهتی در فعالیت‌های اقتصادی و



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

امکانات برای بازسازی کشور در سطح داخلی. این‌ها خطوط اصلی برنامه‌های ما است و ما یک سر مو از این اهداف، عقب نخواهیم نشست (همان، ص ۲۹۶-۲۹۸).

۵. شناخت آسیب‌های جامعه اسلامی

یکی دیگر از نقش‌های ولی فقیه در اداره جامعه اسلامی ایران، آسیب‌شناسی جامعه اسلامی تا بتواند برای برطرف کردن این مشکلات، تدابیر لازم و ضروری را برگزیند. مقام معظم رهبری مهم‌ترین آسیب جامعه اسلامی را فساد، انحراف و زوال جامعه می‌داند. ایشان ریشه‌های فساد و انحراف جامعه را گرایش به ویژگی‌های جامعه جاهلی برمی‌شمرند، مانند: در دست طاغوت بودن مناسبات اجتماعی؛ وجود خود فراموشی در جوامع جاهلی؛ دوری از انسانیت، معنویت، اخلاق و فضیلت؛ ضعف معرفتی انسان در جامعه جاهلی؛ طبقاتی شدن جامعه و همچنین عوامل دیگر، مانند: خروج جامعه از سنت الهی؛ مصرفی شدن جامعه؛ پوچ‌گرایی اخلاقی؛ ستمگری و ستم‌پذیری؛ غرور و استبداد فردی جامعه؛ ترویج فساد اخلاقی و بی‌بندوباری؛ تبعیض و بی‌عدالتی؛ بی‌تقوایی، غفلت، بی‌توجهی و غرق شدن در منجلاب شهوات؛ خود فراموشی در جامعه؛ دور شدن از معنویت و دین؛ فسق و فساد جامعه (مهاجرنیا، ۱۳۹۰، ص ۸۰).

نتیجه‌گیری

نظام سیاسی اسلام با رویکرد شیعی، در واقعه غدیر و مسئله جانشینی پیامبر و امامت امت سرچشمه دارد. مسئله امامت بر اساس نص و انتصاب از جانب خداوند است و مردم بر اساس آیه شریفه، هیچ نقشی در انتصاب امام ندارند و نقش آنها فقط اطاعت از اوامر الهی و رسولش است. بعد از دوران غیبت صغری، این مسئولیت را به عامه فقها واگذار کردند. بنابراین معلوم شد که نظام سیاسی اسلام با این رویکرد با مسئله ولایت فقیه پیوند خورده است. نظریه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دولت؛ ضرورت فقیه بودن حاکم اسلامی؛ شأن و جایگاه ولی فقیه در اسلام و نقش ولی فقیه در حکومت اسلامی.

- نقش و جایگاه ولی فقیه در نظام جمهوری اسلامی: ولایت فقیه هم شکل‌گیری و هم در ایجاد انقلاب اسلامی نقش و جایگاه بسیار مهمی در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران دارد؛ به گونه‌ای که جزء اصول مهم و تغییرناپذیر در قانون اساسی، مشروعیت نظام و مسئولان آن و عنصر مهم انقلاب است و اختیارات وسیعی، حتی از دیدگاه برخی، فراتر از قانون اساسی دارد.

- نقش و جایگاه ولایت فقیه در اداره جامعه اسلامی ایران: باید توجه داشت که نقش ولایت فقیه فقط در مبارزه با رژیم طاغوت و پیروزی انقلاب اسلامی منحصر نیست؛ بلکه این مقام والا در حوزه اداره جامعه اسلامی نقش و تأثیر بسزایی دارد؛ چرا که اداره جامعه اسلامی باید با نظر اسلام و از سوی رهبری و هدایت‌های ولایت فقیه باشد تا جامعه، مردم و مسئولان دچار انحراف از مسیر اسلامی و الهی نشوند و به ضلالت، گمراهی و سر درگمی نیفتند. بنابراین، در گستره‌های گوناگونی از نظام اسلامی و در انقلاب اسلامی ایران می‌توان نقش کارآمدی ولایت فقیه در اداره جامعه اسلامی ایران را به روشنی مشاهده کرد، از جمله: در مسائل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، هنری و اجتماعی در حوزه داخلی و خارجی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی